

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان

دکتر مجید موحد*، صغری نیازی**

چکیده: این مطالعه با هدف بررسی رابطه میان ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی دانشجویان و گرایش به مهاجرت انجام شده است. در این مطالعه که به روش پیمایش صورت گرفته است؛ ۵۰۸ نفر از دانشجویان دختر مقطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی‌ارشد و دکتری) در دو دانشگاه شیراز و فردوسی مشهد مورد بررسی قرار گرفتند. مبانی نظری مورد استفاده در این مطالعه نظریه سرمایه بومی داوانزو بوده است. نتایج این تحقیق در بخش توصیفی حاکی از آن است که ۸۹/۵ درصد افراد در مقطع کارشناسی‌ارشد و ۱۰/۵ درصد هم در مقطع دکتری شاغل به تحصیل هستند، همچنین از مجموع پاسخگویان ۷۰/۵ درصد مجرد و ۲۹/۵ درصد نیز متأهل بوده اند. یافته‌های آمار استنباطی این مطالعه نشان می‌دهد که از بین متغیرهای فرهنگی و اجتماعی، دانشگاه محل تحصیل، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، نگرش نسبت به جایگاه علم در ایران، نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل کرده در ایران، احساس تعلق به وطن، ابعاد چهارگانه دینداری با متغیر وابسته رابطه معنادار داشته‌اند. در تجزیه و تحلیل چند متغیره، متغیرهای احساس تعلق به وطن، بعد پیامدی دینداری، نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران با گرایش به مهاجرت دارای رابطه معنادار هستند و ۵۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: دختران، دینداری، احساس تعلق به وطن، نگرش نسبت به جایگاه علم در ایران، نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل کرده در ایران.

مقدمه و طرح مسئله

شکل‌گیری مهاجرت به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی ذهن و اندیشه صاحب‌نظران بسیاری را به خود معطوف کرده است. امروزه برخلاف دوران اولیه زندگی بشر، مهاجرت‌ها تنها با انگیزه‌های زیستی و بیولوژیک انجام نمی‌شوند، بلکه در دنیای معاصر مهاجرت پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. از این رو این پدیده در رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی به‌عنوان موضوعی پایدار و مهم همواره مورد توجه قرار گرفته و هریک از محققان بنا بر نیاز مطالعاتی و رویکردهای تئوریک خود تعریفی از آن ارائه کرده‌اند. به‌عنوان مثال کوتاری مهاجرت را حرکت یک فرد یا گروهی از افراد در امتداد مرزهای سیاسی از یک واحد جغرافیایی به واحدی دیگر برای اقامت دائم یا موقت در مکانی غیر از کشور مادر تعریف می‌کند (کوتاری^۱، ۲۰۰۲: ۱۶). همچنین انواع مهاجرت‌ها عبارتند از داخلی یا بین‌المللی، اجباری یا اختیاری، فردی یا گروهی و... یکی از انواع مهاجرت‌های بین‌المللی که در آن کیفیت نیروی مهاجرت‌کننده نیز دارای اهمیت است مهاجرت نخبگان می‌باشد (جواهری و سراج زاده، ۱۳۸۴: ۵۸). به عبارت دیگر بین مهاجرت و مهاجرت نخبگان نسبت منطقی عموم و خصوص مطلق وجود دارد بدین معنا که مهاجرت مفهومی عام است که مهاجرت نخبگان یکی از اشکال آن است. مهاجرت نخبگان به معنای انتقال دائمی سرمایه انسانی از کشورهای درحال توسعه به کشور توسعه یافته است (آلان و بالاز^۲، ۲۰۰۵: ۴۴۱). بطور کلی می‌توان گفت که بعد از جنگ‌های بین‌المللی اول و دوم این پدیده شکل پویاتری به خود گرفت و از سال ۱۹۵۰ به بعد بر سرعت مهاجرت روشنفکران به کشورهای مختلف به‌ویژه ایالات متحده آمریکا افزوده شده است و سال به سال نیز بر میزان مهاجرت افراد با مدارج بالای علمی و دانشگاهی به سوی پیشرفته‌ترین کشورها افزوده می‌شود (رشنو، ۱۳۸۲: ۶۵). در ایران نیز پدیده مهاجرت نخبگان به عنوان یک آسیب اجتماعی از دهه ۱۳۴۰ خورشیدی ظهور کرد و روند آن شامل سه دوره مشخص است:

- ۱- دهه چهل و پنجاه تا پیروزی انقلاب اسلامی که در نتیجه باز شدن باب مراودات با غرب، سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی رژیم گذشته، روحیه اشرافی‌گری و ابستگان به دربار، رشد ثروت‌های عظیم نفتی و... بود.
- ۲- سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ابتدای جنگ تحمیلی که بطور عمده طیف ناراضیان از انقلاب اسلامی را شامل می‌شد و با تعطیل شدن دانشگاه‌ها در دوران انقلاب فرهنگی شدت یافت.

1. Khotari

2. Allan and Balaz

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان ۳۱

۳- دوره جدید مهاجرت که از سال ۱۳۶۷ آغاز و از سال ۱۳۷۷ به بعد شتاب بیشتری گرفته است (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

سرمایه انسانی و نیروی ماهر و متخصص مهم‌ترین سرمایه هر کشور محسوب می‌شود که نیل به توسعه اجتماعی بدون حضور آنها مقدور نخواهد بود. با این حال کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران با بحرانی جدی در زمینه کاهش نیروی انسانی مواجه هستند. مهاجرت متخصصان از مسائل مهم و مشکلات مطرح در کشورهای در حال توسعه است. این نیروها که جامعه مدت‌های مدید هزینه‌های هنگفت تحصیلی‌شان را تقبل کرده و در راستای نیل به اهدافش به آنها نیاز مبرم دارد، حال که به مرحله بهره برداری و سودرسانی به کشور خود می‌رسند بار تخصص و مهارت‌های خود را برداشته و به کشورهای دیگر مهاجرت کرده، توانایی و کارآمدی خود را در اختیار آنها قرار می‌دهند. با توجه به آمارهای موجود، سالانه هزاران دانش‌آموخته دانشگاهی از کشور خارج می‌شوند. به عنوان مثال مطالعات صورت گرفته توسط صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که در بین کشورهای جهان، آسیا بیشترین نرخ مهاجرت افراد دارای تحصیلات عالی و در بین کشورهای آسیایی نیز ایران بیشترین درصد مهاجرت افراد با تحصیلات عالی را دارد (خضری، ۱۳۸۰: ۵۵۸). همچنین نزدیک به ۱۷۰۰۰۰ نفر ایرانی دارای تحصیلات در ایالات متحده آمریکا مقیم هستند که موضوع فرار مغزها قرار می‌گیرند. به نظر برخی پژوهشگران ساکن ایران شمار متخصصان ایرانی که در کشورهای خارجی مقیم بوده و در مراکز علمی و پژوهشی آنها مشغول کارند (حدافل در بعضی رشته‌ها) به دو برابر متخصصان همان رشته در داخل کشور می‌رسد. برای نمونه، در رشته فیزیک حدود ۴۰۰ فیزیک‌دان ایرانی در خارج از کشور به سر می‌برند که این رقم دو برابر فیزیک‌دانان داخل ایران است. تعدادی از این افراد، فیزیک‌دانان برجسته و تراز اول هستند (ارشاد، ۱۳۸۰: ۴۶). بدین ترتیب کشورها با مهاجرت نخبگان و نیروی کار ماهر شاهد هدر رفتن هزینه آموزش، تضعیف رشد دانش، کاهش قابلیت جامعه برای کاربرد اندوخته‌های علمی در جهت حل مسائل و مشکلات، کاهش اندیشه‌های نو و خلاقانه، تضعیف موجودی سرمایه اجتماعی و تنزل توسعه اقتصادی خواهند بود. این در حالی است که آنها هزینه زیادی را برای تربیت نیروهای متخصص صرف می‌کنند (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

واقعیت مهمی که به خصوص در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی را تجربه کرده است، مهاجرت

زنان است. ادبیات موجود درباره مهاجرت حاکی از آن است که در مطالعات و تحقیقاتی که درباره این پدیده

صورت گرفته اغلب به مهاجرت مردان پرداخته شده و مهاجرت زنان توجه بسیار کمی را به خود معطوف داشته‌است. در واقع اولین مطالعاتی که بطور خاص به این موضوع پرداختند به اوایل دهه ۱۹۷۰ مربوط می‌شود. از آن پس مهاجرت زنان مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفت، به‌طوری که در دهه ۱۹۸۰ دیدگاه‌های نظری متعددی در این مورد مطرح شد. هر چند که در این زمان نیز برخی از مطالعات مهاجرت زنان را در ارتباط با خانواده و نقش‌های خانوادگی در نظر می‌گرفتند، اما با گذر زمان، تحقیقات جدید این پدیده را به گونه‌ای گسترده‌تر نگریسته و به آن تنها در محدوده خانواده نمی‌پردازد (کوران و همکاران^۱، ۲۰۰۶: ۲۰۳).

در جامعه ما نیز که زنان همواره تحت نظام مردسالاری از بسیاری از حقوق و شئون اجتماعی خود محروم بوده‌اند به‌دنبال تغییرات فرهنگی ایجاد شده در اثر ورود عنصر مدرن و سپس ظهور انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تضعیف فرهنگ مردسالاری، جایگاه و موقعیت این قشر از جامعه دچار تحولات بزرگی شده است. مشارکت گسترده زنان در اجتماع و به‌ویژه حضور آنان در عرصه‌های آموزشی پدیده بسیار بارزی است. همچنان که آمارها نشان می‌دهند هر ساله بیش از پنجاه درصد از ورودی‌های دانشگاه‌ها را دختران تشکیل می‌دهند. بدیهی است که این امر پیامدهایی مثبت و منفی به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن به‌وجود آمدن تمایل برای مهاجرت به خارج از کشور در میان تحصیل‌کرده‌های این قشر است. چرا که آنان نیز داعیه برابری و تساوی حقوق با مردان را در سر می‌پروراند و خواهان بهبود و پیشرفت زندگی خود هستند. مطالب ذکر شده در خصوص اهمیت نیروی انسانی و جایگاه آن در روند رشد و توسعه و تغییر و تحولات جامعه از یکسو و از سوی دیگر مشاهده جریان نگران‌کننده مهاجرت نیروی انسانی کارآمد و متخصص ما را بر آن داشت که کنکاشی در این مسئله داشته باشیم.

مسئله مهاجرت نیروی تحصیل‌کرده و ماهر کشور از جنبه‌های گوناگون می‌تواند مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به‌عنوان مثال برخی از مطالعات این پدیده را با رویکردی اقتصادی نگریسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۰؛ واتانیل^۲، ۱۹۶۹؛ کولوب^۳، ۱۹۹۶؛ هان^۴، ۲۰۰۱؛ آواس و همکاران^۵، ۲۰۰۴) و برخی دیگر از دیدگاه سیاسی

1. Curran et.al.

2. Watanabel

3. Colub

4. Han

5. Awases et.al.

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان ۳۳

(طیبی، ۱۳۸۰؛ علاءالدینی، ۱۳۸۴؛ هووارد^۱، ۱۹۹۲) آن را مورد بررسی قرار داده و بعضی هم بعد جمعیت‌شناختی مهاجرت را کنکاش نموده‌اند. علاوه بر این همچنین می‌توان با رویکردی فرهنگی و اجتماعی به مطالعه مهاجرت نخبگان پرداخت. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی افراد میزان دینداری آنهاست. دین به‌عنوان واقعیتی اجتماعی و در عین حال خصوصیتی فردی نقش بسیار مهمی در زندگی افراد و تصمیم‌گیری‌های آنان در امور مختلف ایفا می‌کند. با توجه به اینکه تصمیم‌گیری افراد درباره مهاجرت به خارج از کشور نیز یکی از حوزه‌هایی است که به‌نظر می‌رسد نقش دین در آن قابل توجه باشد در تحقیق حاضر ابتدا با استفاده از مدل سنجش دینداری گلاک و استارک ابعاد چهارگانه دین شامل بعد اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی بررسی شده و سپس با تعیین میزان دینداری هر یک از افراد رابطه میان آن با گرایش به مهاجرت در میان دانشجویان مورد سنجش قرار می‌گیرد. همچنین طی بررسی‌های انجام شده مشخص شد که اغلب پژوهش‌ها در این باره یا فقط به جامعه آماری مردان پرداخته‌اند و یا به صورت ترکیبی هم مردان و هم زنان را بررسی کرده‌اند و هیچ تحقیقی به‌طور خاص درباره مهاجرت نخبگان در جامعه آماری زنان و دختران انجام نشده است. از این رو در این مطالعه سعی شده بخشی از موضوع مهاجرت مغزها یعنی گرایش به مهاجرت از کشور در میان دانشجویان دختر محصل در مقطع کارشناسی‌ارشد و دکتری و رابطه آن با ویژگی‌های فرهنگی آنان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. از ویژگی‌های فرهنگی دیگری که در این پژوهش به آنها پرداخته می‌شود می‌توان به نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل‌کرده در کشور، نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران، احساسات وطن‌خواهانه و ... اشاره کرد.

از این رو این تحقیق با دو هدف انجام شده است:

۱. بررسی میزان تمایل به مهاجرت و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی پاسخگویان
۲. بررسی رابطه میان ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی با گرایش به مهاجرت به خارج از کشور

پیشینه‌ی پژوهش

تحقیقات و بررسی‌های متعددی چه در داخل و چه در خارج در رابطه با این موضوع انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

¹. Howard

شریفی در سال ۱۳۷۶ در پیمایشی با عنوان «بررسی گرایش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران به مهاجرت از کشور» به بررسی انگیزه‌های مهاجرت نخبگان پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که متغیرهای جاذبه و دافعه اجتماعی، زمینه و شرایط شغلی، دافعه سیاسی داخل، جاذبه سازمانی و تعداد فرزندان با متغیر وابسته رابطه معناداری داشته است و در نهایت عنوان شده که انگیزه مهاجرت استادان متوسط و پائین ارزیابی می‌شود.

همچنین رجبی (۱۳۷۹) در تحقیقی با نام «بررسی میزان و عوامل گرایش به مهاجرت از کشور در بین دانشجویان فنی دانشگاه تهران» این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق ۲۶۰ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه انتخاب شده و پرسشنامه را تکمیل کردند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که میزان گرایش به مهاجرت در جامعه آماری مورد نظر زیاد بوده و نیز نارسایی‌های اقتصادی، عدم ثبات سیاسی و امید به زندگی بهتر در کشورهای پیشرفته از مهم‌ترین عوامل ترغیب دانشگاهیان به مهاجرت است.

نتایج حاصل از مطالعه‌ای که توسط جواهری و سراج‌زاده در سال ۱۳۸۰ در این باره صورت گرفته است نشان می‌دهد که ۵۹ درصد پاسخگویان در حد متوسط، ۱۷ درصد در حد زیاد گرایش به مهاجرت دارند و تنها ۲۳ درصد از آنها در اندیشه مهاجرت نیستند. همچنین نقش دو متغیر "پایبندی به جامعه ملی" و "دینداری" به عنوان عوامل بازدارنده از نظر آماری مورد تأیید قرار گرفت.

در مطالعه‌ای دیگر با عنوان «بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور» که توسط شعبانلو در سال ۱۳۸۰ انجام شده است، ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های این پیمایش حاکی از آن است که ارزیابی افراد از شرایط سیاسی و فرهنگی در داخل و خارج از کشور ارتباط زیادی با گرایش آنان به مهاجرت دارد.

قنبر (۱۳۸۴) به منظور بررسی علل مهاجرت متخصصان ایرانی به آمریکا، انگیزه‌ها و دلایل مهاجرت ایرانیان متخصص به ایالات متحده آمریکا را مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌های این پژوهش مشخص می‌کند که عواملی مانند کمبود امکانات تحصیلی، مشکلات مربوط به اشتغال، ناپایداری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این باره از اهمیت زیادی برخوردارند.

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان ۳۵

مایرز^۱ در سال ۲۰۰۰ تحقیقی را با نام «تأثیر مشمولیت دینی بر مهاجرت» در سطح ملی انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد که عضویت و مشارکت در سازمان‌های دینی بر مهاجرت به خارج از کشور تأثیر می‌گذارد. همچنین داشتن فرزند در ارتباط با گرایش به مهاجرت نقشی تعیین‌کننده دارد.

در پیمایشی دیگر که در سال ۲۰۰۳ توسط تانزل و گانگور^۲ با عنوان «فرار مغزها از ترکیه» صورت گرفته است؛ دانشجویان ترک محصل در ایالات متحده، انگلستان و کانادا که در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و در رشته‌های مهندسی و فنی شاغل به تحصیل بوده‌اند مورد مطالعه قرار گرفتند. بر اساس نتایج دانشجویانی که به کشور باز نمی‌گردند عواملی مانند بی‌ثباتی سیاسی، دستمزد پائین و نبود فرصت‌های اشتغال در کشور خود را به عنوان علل ماندن ذکر کرده‌اند.

در راستای پاسخگویی به این سؤال که «آیا فرار مغزهای پزشکی سودمند است؟» کانگاسنمی و همکاران^۳ (۲۰۰۷) مسئله فرار مغزها را با تأکید بر مغزهای پزشکی مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این تحقیق که در میان ۱۳۷ نفر (حجم نمونه) انجام شده نشان می‌دهد که مهم‌ترین انگیزه پزشکان برای مهاجرت به خارج از کشور درآمد است و فرضیه سودمندی مهاجرت مغزهای پزشکی برای کشور فرستنده رد می‌شود.

تلاش این پیمایش بر این است که در تداوم تحقیقاتی که تا کنون درباره پدیده مهاجرت نخبگان انجام شده‌اند، گامی نو جهت شناخت بیش از پیش این مسئله بردارد. برخلاف سایر مطالعات که اغلب پدیده مذکور را از دیدگاهی اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند که همین امر موجب تک بُعدی شدن تحقیقات در این باره گردیده، مطالعه حاضر در نظر دارد با استفاده از ابزار و روش‌های موجود در علوم اجتماعی و با تکیه بر مبانی نظری تحقیق پدیده مهاجرت نخبگان و متخصصان را با رویکردی فرهنگی-اجتماعی مورد کنکاش قرار دهد. همچنین از یکسو با توجه به نقش تعیین‌کننده زنان هم در خانواده و هم در جامعه و از سوی دیگر مشاهده فقر مطالعاتی این موضوع در جامعه زنان، این تحقیق مسئله مهاجرت نخبگان را در میان زنان مورد بررسی قرار می‌دهد.

1. Myers

2. Tanzel and Gungor

3. Kangasnime et.al.

مبانی نظری

مهاجرت نخبگان در چهارچوب فرایند بزرگتری به نام مهاجرت بین‌المللی قرار می‌گیرد. از این رو در این قسمت ابتدا رویکردهای نظری مربوط به مهاجرت مطالعه شده و سپس به طور خاص به دیدگاه‌های نظری موجود درباره مهاجرت نخبگان پرداخته شده‌است. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد مهاجرت پدیده‌ای بین رشته‌ای است و اندیشمندان در علوم مختلف در این مورد نظریه‌پردازی کرده‌اند. به طور کلی نظریه‌پردازان اقتصادی بر این باورند که مهاجرت نتیجه انتخاب‌های عقلانی افراد بوده و آن را مکانیسمی برای باز توزیع نیروی کار در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال آدام اسمیت اختلاف میزان عرضه و تقاضای نیروی کار در مناطق مختلف را علت مهاجرت می‌داند (فاسمن و همکاران^۱، ۲۰۰۵: ۱۸). اگرچه نقش عوامل اقتصادی در مهاجرت بسیار تعیین‌کننده است اما پر واضح است که نظریات اقتصادی به تنهایی قادر به تبیین انواع مهاجرت‌ها نیستند و بسیاری از افراد به دلایلی غیر اقتصادی اقدام به مهاجرت می‌کنند، بنابراین جامعه‌شناسان نیز در این باره نظریه‌پردازی نموده‌اند. از جمله قدیمی‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناسی درباره مهاجرت نظریه "فرصت‌های جذاب" است که توسط استوفر^۲ (۱۹۴۰) بیان شد. به نظر وی تعداد مهاجرت‌ها با تعدا فرصت‌های جذاب (به-عنوان مثال وجود شغل) موجود در کشور مهاجرپذیر و مهاجر فرست برای مهاجران در ارتباط است (بیجاک و همکاران، ۲۰۰۶: ۶). یافته‌های استوفر بعدها مبنای نظریه اورت.س. لی^۳ (۱۹۶۶) قرار گرفت که از مشهورترین نظریات جامعه‌شناختی درباره این پدیده است. نظریه لی که به نظریه جاذبه و دافعه شهرت دارد به نقش عوامل برانگیزنده و بازدارنده در مبدأ و مقصد، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد و عوامل شخصی در مهاجرت می‌پردازد (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۳۲). به عبارت دیگر بر اساس نظریه جاذبه و دافعه در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند (همان: ۱۳۳). از دیگر نظریات جامعه‌شناختی در این باره می‌توان به رویکرد شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد. بر این اساس تعلقات

1. Fassmann et.al.

2. Stouffer

3. Lee

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان ۳۷

اجتماعی موجود در شبکه‌های اجتماعی ما قبل مهاجرت، مهاجران را در فرایند مهاجرت و مراحل بعد از آن مورد حمایت قرار می‌دهند. مهاجران تازه وارد از طریق شبکه‌های اجتماعی با مهاجران قبلی ارتباط برقرار کرده و بدین وسیله از حمایت‌های مختلف آنها بهره‌مند می‌شوند از جمله این حمایت‌ها می‌توان از اطلاعات درباره تجارت خارجی، حمایت مالی، چشم اندازه‌های شغلی، مساعدت‌های اجرایی، مراقبت‌های جسمی و همبستگی عاطفی یاد کرد (ورتوک^۱، ۲۰۰۲: ۴-۲).

همچنین برخی نظریات روانشناختی نیز تلاش کرده‌اند تا حدودی چهارچوب مفهومی این پدیده را آشکار سازند. به طور نمونه بر اساس نظریه نیازها که توسط آبراهام مازلو مطرح شده می‌توان گفت که زمانی که متخصصین جامعه تشخیص دهند که کشور مبدأ توان به فعلیت رساندن استعدادها را ندارد به منظور شکوفا کردن استعدادهای خود به کشوری دیگر مهاجرت می‌کنند. درباره پدیده فرار مغزها به طور خاص نیز بسیاری از اندیشمندان ایراد سخن نموده‌اند که رویکردهایی مانند چرخش مغزها، شکار مغزها، انتقال معکوس فناوری، جهانی شدن و مهاجرت نخبگان در این باره قابل ذکر هستند. بر این اساس اندیشمندی که موضوع چرخش مغزها را مطرح می‌کنند بر این باورند که امروزه به جای فرار مغزها سخن از چرخش مغزهاست چرا که نیروهای نخبه پس از مهاجرت، ارتباط علمی خود را با کشور مادر ادامه می‌دهند و بدین طریق موجب انتقال تکنولوژی به کشور خود می‌شوند (سلجوقی، ۱۳۷۹: ۲۲). علاوه بر این برخی از متفکران پدیده مهاجرت متخصصان را در عرصه جهانی شدن مورد توجه قرار داده‌اند. به طور نمونه آکاپار معتقد است که مهاجرت متخصصان از کشورهای جهان سوم به کشورهای پیشرفته به دنبال فرایند جهانی شدن و پیشرفت‌های ایجاد شده در ارتباطات صورت می‌پذیرد و آن را جزء لاینفک جهانی شدن قلمداد می‌کند (آکاپار^۲، ۲۰۰۶: ۱۵).

با این حال با توجه به هدف تحقیق که بررسی فرهنگی-اجتماعی پدیده مهاجرت نخبگان است، ملاحظه می‌شود که نظریات اقتصادی و روانشناختی موجود در این راستا کارایی لازم را ندارند، بنابراین باید از دیدگاه‌های نظری مطرح در جامعه‌شناسی سود برد. همان‌گونه که در مباحث فوق مشاهده می‌شود، اغلب نظریات جامعه‌شناختی در این باره در جستجوی کشف علل مؤثر بر پدیده مهاجرت نخبگان بوده‌اند و این در

1. Vertovec

2. Akcapar

حالی است که پژوهش فعلی چنین هدفی را تعقیب نمی‌کند بلکه در عوض خواستار بررسی رابطه گرایش به مهاجرت با ویژگی‌های فرهنگی افراد است. از این رو به نظر می‌رسد نظریه سرمایه بومی داوانزو مبنای نظری مناسبی برای این پیمایش باشد. داوانزو بر این عقیده است که مجموعه‌ای از کالاها و اموال وجود دارند که بعد از مهاجرت امکان حفظ یا دسترسی به آنها ممکن نیست و آنها را سرمایه بومی می‌نامد (داوانزو^۱، ۱۹۸۱). سرمایه‌های بومی در منطقه مادر دارای بیشترین ارزشمندی بوده، انتقال و یافتن جایگزینی برای آنها در کشور و منطقه‌ای دیگر امری بسیار دشوار و یا حتی محال است. بر این اساس داوانزو معتقد است دین نیز نوعی سرمایه بومی است که جابجایی و مهاجرت افراد انتقال آن را به کشور مقصد دشوار می‌سازد. هر چند ممکن است در کشور جدید بافت دینی مشابهی شکل گیرد اما جایگزین کردن آن در آنجا کاری مشکل و زمان‌بر است. این موضوع به‌ویژه برای کسانی که بهره بیشتری از دین دارند از اهمیت قابل توجهی برخوردار است به طوری که توانایی آنها را برای حفظ دین و عمل به آن کاهش می‌دهد. همچنین از سویی دیگر مشارکت در سازمان‌های دینی شبکه‌هایی اجتماعی به وجود می‌آورد که صمیمیت و ارتباطات نزدیک ویژگی بارز آن است. اعضای این شبکه‌ها با حضور در آنها علاوه بر اینکه باورها و مناسک دینی خود را تقویت می‌نمایند همچنین حمایت‌های اجتماعی متعددی را دریافت می‌کنند. بدین ترتیب داوانزو بر این باور است که مهاجرت نه فقط افراد را از مکان عبادت خود جدا می‌سازد بلکه موجب جدایی اعضا از شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته در بافت دینی و در نتیجه از دست دادن حمایت‌های فراوان آنها از اعضا خواهد شد (مایرز، ۲۰۰۰: ۷۶۸). بنابراین تصمیم و تمایل به مهاجرت با میزان پایداری دینی افراد رابطه دارد بدین معنا که افرادی که از میزان دینداری بیشتری برخوردارند کمتر تمایل و گرایش به مهاجرت و جابجایی دارند. بدین ترتیب با توجه به نظریه داوانزو می‌توان چنین اظهار داشت که فرهنگ نیز خاصیتی بومی دارد چرا که انتقال آن به کشوری غیر از کشور مادر و نیز یافتن جایگزینی برای آن در کشور جدید امری بسیار دشوار و یا حتی محال است. بنابراین افرادی که به فرهنگ ملی خود دلبستگی و تعلق بیشتری دارند کمتر تمایل به ترک این تعلقات و جدایی از ارزش‌های فرهنگی خود دارند، به عبارت دیگر با توجه به ویژگی بومی بودن فرهنگ، هرچه بهره افراد از این سرمایه بومی بیشتر باشد از آنجایی که احتمال یافتن بافت

¹. Da Vanzo

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان ۳۹

فرهنگی موجود، در کشور جدید بسیار ناچیز و یا حتی غیر ممکن است، گرایش کمتری به ترک وطن و فرهنگ خود دارند.

فرضیات تحقیق

جهت دستیابی به اهداف این پژوهش، فرضیه‌های مرتبط عبارتند از:

- به نظر می‌رسد بین دانشگاه محل تحصیل پاسخگویان و گرایش آنها به مهاجرت به خارج از کشور رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی توسط پاسخگویان و گرایش آنها به مهاجرت به خارج از کشور رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش پاسخگویان به جایگاه علم و پژوهش در ایران و گرایش آنها به مهاجرت به خارج از کشور رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش پاسخگویان به جایگاه زنان تحصیل کرده در ایران و گرایش آنها به مهاجرت به خارج از کشور رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین احساس تعلق به وطن پاسخگویان و گرایش آنها به مهاجرت به خارج از کشور رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین ابعاد چهارگانه دینداری و دینداری کل پاسخگویان و گرایش آنها به مهاجرت به خارج از کشور رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش به روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش به انجام رسیده است. در این راستا با توجه به واحد تحلیل که فرد است و حجم نمونه آماری، از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری این مطالعه شامل دانشجویان دختر شاغل به تحصیل در سال ۸۶-۱۳۸۵ در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه شیراز و فردوسی مشهد می‌باشد که در چهار گروه علوم انسانی، علوم پایه، مهندسی و هنر، کشاورزی و دامپزشکی تحصیل می‌کنند. جمع تعداد این افراد ۲۳۴۴ نفر بوده که ۱۳۴۲ نفر مربوط به دانشگاه شیراز بوده و ۱۰۰۲ نفر نیز به دانشگاه فردوسی مشهد تعلق دارند. لازم به ذکر

است که دانشگاه شیراز و دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان دو دانشگاه مادر و فعال در مقطع تحصیلات تکمیلی، که در دو منطقه کشور قرار گرفته و دارای بسترهای متفاوت فرهنگی در مطالعه حاضر به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. همچنین در این تحقیق ۵۰۸ نفر از جامعه آماری مورد نظر با استفاده از فرمول کوکران در سطح معناداری ۹۹ درصد اطمینان به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که این افراد از طریق روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند.

در این پژوهش متغیر وابسته گرایش به مهاجرت است. نظر به اینکه تعداد قابل توجهی از دانشجویان در آینده - نه اکنون - به نیروی متخصص و ماهر تبدیل خواهند شد، گرایش دانشجویان به خروج از کشور را با تسامح می‌توان در چارچوب مفهومی مهاجرت نخبگان قلمداد کرد. که در آن منظور از گرایش آمادگی فکری، عاطفی و رفتاری برای انجام یک کار خاص است (بارون، ۱۹۹۷: ۱۱۲ به نقل از جواهری و سراج زاده، ۱۳۸۴: ۵۹). هر چند گرایش عاملی ذهنی است اما دارای تأثیری عینی و واقعی است، بنابراین جامعه‌شناسان از طریق سنجش گرایش اعضای جامعه به توصیف و پیش‌بینی رفتار آنها می‌پردازند. همچنین مهاجرت معمولاً به عنوان حرکت یک فرد یا گروهی از افراد از یک واحد جغرافیایی به واحدی دیگر به شکل دائمی یا موقتی تعریف می‌شود (بایر، ۲۰۰۳: ۴). این متغیر در مطالعه حاضر با استفاده از طیف لیکرت در قالب ۱۱ گویه مورد بررسی قرار گرفته است.

برخی از متغیرهای مستقل این پژوهش عبارتند از:

میزان استفاده از رسانه‌ها: بر میزان کاربرد وسایل ارتباط جمعی توسط فرد دلالت دارد. برای سنجش این متغیر، از جدولی که بیانگر میزان استفاده از هشت رسانه گروهی یعنی تلویزیون، ماهواره، رادیوهای ایرانی، رادیوهای خارجی، اینترنت، روزنامه و مجلات، کتاب داستان و فیلم و سی‌دی می‌باشد، استفاده شده است.

نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران: بر جهت‌گیری و وجه نظر مثبت یا منفی افراد نسبت به جایگاه علم و پژوهش در کشور دلالت دارد. به عبارت دیگر به معنای تصور افراد درباره میزان توجهی است که در کشور به علم و پژوهش می‌شود.

نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل‌کرده در ایران: به جهت‌گیری و وجه نظر مثبت یا منفی افراد نسبت به جایگاهی که زنان تحصیل‌کرده در ایران دارند، اشاره می‌کند. در واقع می‌توان گفت که این متغیر به معنای تصویری است که افراد از موقعیت اجتماعی زنان تحصیل‌کرده در ایران دارند.

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان ۴۱

احساس تعلق به وطن: بر میزان دلبستگی و تعلق و همچنین تعهدی که اعضای یک جامعه نسبت به

وطن و کشور خود احساس می‌کنند، دلالت دارد.

در این پژوهش برای سنجش دینداری افراد از مدل چند بعدی گلاک و استارک^۱ استفاده شده است. این مدل توسط بسیاری از محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی جهت سنجش دینداری افراد مورد تأیید و استفاده قرار گرفته است. گلاک و استارک اعتقاد دارند در همه ادیان دنیا ضمن تفاوت‌هایی که در جزئیات آنها وجود دارد، عرصه‌های مشترکی وجود دارد که دینداری در آن متجلی می‌شود. این عرصه‌ها که می‌توان آنها را ابعاد اصلی دینداری به حساب آورد عبارتند از: ۱) بُعد اعتقادی یا باورهایی که انتظار می‌رود مؤمنان به آنها اعتقاد داشته باشند. ۲) بُعد مناسکی شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز و روزه است که انتظار می‌رود پیروان یک دین آنها را به جای آورند. ۳) بُعد عاطفی (تجربی)، که به عواطف و احساسات مذهبی ناشی از اعتقاد دینی نظیر ستایش، تواضع و ترس راجع است. ۴) بُعد پیامدی که ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۲۱-۲۰).

بُعد اعتقادی دینداری (باورهای دینی): شامل اعتقادات خاص بجا مانده از پیروان یک مذهب است

که شخص مذهبی باید آنها را بپذیرد. برای این بعد شاخص‌هایی نظیر باور به: وجود خداوند، وجود شیطان، وجود فرشتگان، قیامت، آسمانی بودن قرآن و ظهور حضرت مهدی(عج) در نظر گرفته شده است.

بُعد تجربی دینداری (عواطف دینی): به درک و آگاهی مستقیم از واقعیت غایی و عواطف و

احساسات مذهبی راجع می‌باشد. برای این بُعد از این شاخص‌ها استفاده شده است: احساس دوری و نزدیکی به خداوند، احساس پوچ بودن زندگی بدون اعتقادات دینی، نترسیدن مؤمن از مرگ، احساس احترام به امامان و اولیای دینی، احساس توبه و دوری از گناه.

بُعد مناسکی دینداری (اعمال دینی): شامل یکسری اعمال مذهبی خاص است که پیروان یک

مذهب انجام می‌دهند، نظیر پرستش، نماز و روزه. این بُعد شامل شاخص‌های: حضور در مساجد و اماکن مذهبی، روزه گرفتن، نماز خواندن، تلاوت قرآن، شرکت در مراسم مذهبی نظیر اعیاد و عزاداری‌ها و امر به معروف و نهی از منکر می‌شود.

¹. Glock & Stark

بُعد پیامدی دینداری (آثار دینی): به تأثیر باورها، تجارب، اعمال و دانش‌های مذهبی بر روی پیروان یک آئین اشاره دارد و رابطه فرد با دیگران را نیز متأثر می‌سازد. تحریم مشروبات الکلی، پیروی از رهبران مذهبی، اعتقاد به حجاب اسلامی و حفظ حریم لازم در ارتباط با جنس مخالف شاخص‌های این بُعد می‌باشند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

بر اساس آمار توصیفی این پژوهش، میانگین سنی نمونه مورد بررسی ۲۵ سال بوده که بیشترین میزان گرایش به مهاجرت در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال می‌باشد. افرادی که در مقطع کارشناسی‌ارشد هستند ۴۳۳ نفرند و ۷۵ نفر نیز در مقطع دکتری شاغل به تحصیل هستند. با توجه به نتایج آمار توصیفی مشاهده می‌شود که دانشجویان مقطع کارشناسی‌ارشد تمایل بیشتری به مهاجرت به خارج از کشور دارند. همچنین یافته‌ها نشانگر آن است که در رشته‌های مختلف تحصیلی، بیشترین میزان گرایش به مهاجرت در میان دانشجویان گروه مهندسی و هنر، و کمترین گرایش در میان دانشجویان گروه علوم پایه مشاهده می‌گردد. از مجموع پاسخگویان ۶۲/۶ درصد (۳۱۸ نفر) افراد در دانشگاه شیراز و ۳۷/۴ درصد (۱۹۰ نفر) در دانشگاه مشهد شاغل به تحصیل هستند. به طور کلی ۷۵/۷ درصد افراد مجرد و ۲۴/۳ درصد آنها متأهل بوده و میانگین تحصیلات مادر در دانشگاه شیراز و مشهد به ترتیب ۱۰ سال و ۸/۹۴ سال است. به علاوه یافته‌های آمار توصیفی گویای این مطلب است که در میان طبقات مختلف اجتماعی (پائین، متوسط و بالا) افراد طبقات متوسط بیشترین تمایل را برای مهاجرت به خارج از کشور دارا می‌باشند در حالی که کمترین میزان گرایش به طبقات پائین مربوط می‌شود. همچنین یافته‌ها نشانگر آن است که بیشترین درصد یعنی ۸۴/۳٪ پاسخگویان در دانشگاه شیراز متعلق به قومیت فارس و کمترین درصد که ۴/۴٪ است به قومیت ترک منسوبند. درحالی‌که ۴/۷٪ لر و ۶/۶٪ سایر هستند. در دانشگاه مشهد نیز بیشترین درصد پاسخگویان با رقم ۸۴/۲٪ به قومیت فارس و کمترین درصد با رقم ۱/۱٪ به قومیت لر اختصاص دارند و به ترتیب ۷/۹٪ و ۶/۸٪ قومیت ترک و سایر اقوام (از قبیل کرد و بلوچ) دارند.

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان ۴۳

همان‌گونه که مشاهده می‌شود جدول (۱) مقادیر ضریب آلفای کرونباخ و تعداد گویه‌ها و همچنین توزیع فراوانی و درصد نمره کل پاسخگویان را درباره متغیرهای مذکور نشان می‌دهد. نتایج موجود در جدول نشان می‌دهند که افرادی که از رسانه‌های جمعی به میزان کم استفاده می‌کنند $۱۳/۸$ درصد بوده و ۱۲ درصد از رسانه‌های جمعی زیاد استفاده می‌نمایند. همچنین در رابطه با گرایش به مهاجرت که میزان پایایی آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ $۰/۸۹/۵$ در ۱۱ گویه به دست آمده است نتایج حاکی از آن است که $۱۶/۷$ درصد پاسخگویان میل به مهاجرت کم و $۱۸/۶$ درصد آنها به میزان زیادی تمایل به مهاجرت دارند، در حالی که اکثریت افراد یعنی $۶۴/۷$ درصد میل به مهاجرت متوسطی دارند. درباره متغیر نگرش به جایگاه علم در ایران با آلفای $۰/۷۶/۷$ پاسخ‌ها نشان می‌دهند که $۱۲/۲$ درصد افراد نسبت به این موضوع دارای نگرشی منفی بوده و در مقابل $۱۳/۶$ درصد نگرش مثبتی داشته‌اند. اکثریت پاسخگویان نگرشی میانه به جایگاه علم در ایران دارند. شایان ذکر است که این متغیر با ۸ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ متغیر نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل کرده در ایران با ۳ گویه $۰/۷۵$ است. همانطور که جدول نشان می‌دهد شمار قابل توجهی از افراد نگرشی میانه به جایگاه زنان تحصیل کرده در ایران دارند ($۶۸/۷$ درصد) در حالی که با مقادیری نسبتاً مشابه نگرش منفی و مثبت نسبت به این امر دیده می‌شود. همچنین درباره میزان احساس تعلق به وطن که با استفاده از ۴ گویه مورد بررسی قرار گرفته داده‌های جدول گویای آن است که در اغلب دانشجویان، یعنی $۷۴/۸$ درصد، در حد متوسط است. ضریب آلفای کرونباخ این متغیر $۰/۸۱/۱$ می‌باشد که میزان پایایی قابل توجهی را نشان می‌دهد. در مورد میزان دینداری پاسخگویان با ۳۲ گویه و آلفای $۰/۹۳/۳$ نیز همان‌طور که جدول نشان می‌دهد اکثریت دانشجویان از دینداری متوسطی برخوردارند ($۶۸/۵$ ٪). لازم به ذکر است که روایی پرسشنامه روایی صوری بوده و همان‌گونه که مشاهده شد ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیرهای فوق حاکی از میزان پایایی مطلوبی است.

جدول (۱) توزیع فراوانی و درصد نمره کل پاسخگویان

دانشگاه متغیر	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه	کل		
			پائین	متوسط	بالا
گرایش به مهاجرت	٪۸۹/۵	۱۱	۸۱ ٪۱۶/۷	۳۱۳ ٪۶۴/۷	۹۰ ٪۱۸/۶
میزان استفاده از رسانه‌های جمعی	٪۶۶	۹	۷۰ ٪۱۳/۸	۳۷۷ ٪۷۴/۲	۶۱ ٪۱۲
نگرش نسبت به جایگاه علم در ایران	٪۷۶/۷	۸	۶۲ ٪۱۲/۲	۳۷۷ ٪۷۴/۲	۶۹ ٪۱۳/۶
نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل کرده در ایران	٪۷۵	۳	۸۰ ٪۱۵/۷	۳۴۹ ٪۶۸/۷	۷۹ ٪۱۵/۶
احساس تعلق به وطن	٪۸۱/۱	۴	۶۷ ٪۱۳/۲	۳۸۰ ٪۷۴/۸	۶۱ ٪۱۲
بُعد اعتقادی دینداری	٪۸۲/۴	۱۰	۵۸ ٪۱۱/۴	۳۷۷ ٪۷۴/۲	۷۳ ٪۱۴/۴
بُعد تجربی دینداری	٪۷۶/۵	۶	۵۴ ٪۱۰/۶	۴۰۷ ٪۸۰/۱	۴۷ ٪۹/۳
بُعد مناسکی دینداری	٪۸۶/۶۳	۹	۸۰ ٪۱۵/۷	۳۵۱ ٪۶۹/۱	۷۷ ٪۱۵/۲
بُعد پیامدی دینداری	٪۷۹/۲	۷	۶۸ ٪۱۳/۴	۳۶۱ ٪۷۱/۱	۷۹ ٪۱۵/۶
دینداری کل	٪۹۳/۳	۳۲	۷۸ ٪۱۵/۴	۳۴۸ ٪۶۸/۵	۸۲ ٪۱۶/۱

یافته‌های استنباطی

از آنجایی که بافت فرهنگی در دو دانشگاه شیراز و مشهد به طور چشمگیری متفاوت از یکدیگر است به طوری که از یک سو دانشگاه فردوسی مشهد در شمال شرق کشور واقع شده و از فضای معنوی حرم مطهر امام رضا متأثر می‌باشد و از سوی دیگر دانشگاه شیراز واقع در منطقه جغرافیایی جنوب با برخوردار از قومیت‌هایی متفاوت، هر یک دارای فضا و بستر فرهنگی متفاوتی هستند و بالطبع اثرات آن بر دانشجویان نیز متفاوت است، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی مذکور و همچنین اهمیت قابل توجه آن دو به عنوان دو دانشگاه مادر در کشور که در مقطع تحصیلات تکمیلی از پویایی و شمول فراوانی بهره‌مندند و از این لحاظ

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان ۴۵

بسیار مهم تلقی می‌شوند، لذا در مطالعه حاضر دانشگاه شیراز و دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان متغیری فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج آزمون t مستقل که در راستای آزمون رابطه میان دانشگاه محل تحصیل و گرایش به مهاجرت مورد استفاده قرار گرفته در جدول (۲) نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار F برای t در سطح معناداری $0/003$ گویای رد فرض H_0 و بنابراین وجود تفاوت معنادار میان میانگین‌ها تأیید می‌شود. مقادیر میانگین‌ها که برای دانشگاه شیراز $31/9$ و مشهد $29/6$ می‌باشد، حاکی از آن است که گرایش به مهاجرت به خارج از کشور در دانشگاه شیراز بیشتر از دانشگاه مشهد است.

جدول (۲) آزمون تفاوت میانگین دانشگاه محل تحصیل پاسخگویان با گرایش به مهاجرت

دانشگاه محل تحصیل	فراوانی	میانگین	خطای استاندارد	معناداری آزمون Levene	t	معناداری
شیراز	۳۱۸	۳۱/۹	۸/۸۶	۰/۴۱	۲/۹۶	۰/۰۰۳
مشهد	۱۹۰	۲۹/۶	۸/۳۵			

جدول (۳) نشان‌دهنده آزمون رابطه میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران، نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل کرده در ایران، احساس تعلق به وطن، ابعاد چهارگانه دینداری و دینداری کل با متغیر وابسته است که جهت سنجش این روابط از رگرسیون دو متغیره استفاده شده است. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهند استفاده از رسانه‌های جمعی با متغیر وابسته 28% همبستگی دارد. میزان قدرت تبیین‌کنندگی این متغیر نیز به طور کلی $0/07$ درصد بوده و این رابطه در سطح اطمینان 99% معنادار است. متغیر دیگری که وارد معادله رگرسیون شده، نگرش نسبت به جایگاه علم می‌باشد. داده‌ها حاکی از آن است که این متغیر در مجموع $0/49$ با متغیر وابسته دارای همبستگی است (همبستگی متوسط). مقدار R^2 (23%) میزان تبیین واریانس متغیر وابسته توسط این متغیر را نشان می‌دهد و به طور کلی رابطه بین این متغیر با متغیر وابسته در سطح اطمینان 99% معنادار است. همچنین ذکر این نکته مفید است که با توجه به منفی بودن ضریب بتا جهت این رابطه معکوس می‌باشد. نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل کرده نیز متغیری است که نتایج آماری آزمون رگرسیون مربوط به آن در جدول مشاهده

می‌گردد. این متغیر همبستگی متوسطی با گرایش به مهاجرت دارد (۰/۴۲). با توجه به سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود رابطه معنادار و معکوس میان این دو متغیر تأیید می‌شود. همانطور که در جدول قابل مشاهده است؛ وجود رابطه میان متغیر احساس تعلق به وطن و گرایش به مهاجرت نیز با استفاده از رگرسیون مورد سنجش قرار گرفته است. میزان همبستگی این متغیر با متغیر وابسته ۰/۷۱ می‌باشد. بنابراین این متغیر با متغیر وابسته دارای همبستگی نسبتاً قوی است. همچنین احساس تعلق به وطن ۵۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند که رقم قابل توجهی است. مقدار بتا جهت رابطه (معکوس) را نشان می‌دهد و مقدار ۵۲۹/۳ برای F در سطح معناداری ۰/۰۰۰ بیانگر وجود رابطه معنادار میان احساس تعلق به وطن و گرایش به مهاجرت است. یافته‌های رگرسیون برای بُعد اعتقادی نیز در این جدول مشاهده می‌گردد. با توجه به نتایج، بعد اعتقادی دینداری در مجموع با ضریب همبستگی ۰/۳۴/۶ با گرایش به مهاجرت همبستگی نسبتاً متوسطی دارد. همچنین این متغیر ۱۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. مقدار F یعنی ۶۹ با سطح اطمینان ۹۹ درصد و جهت ضریب بتا، دال بر وجود رابطه معنادار و معکوس میان بُعد اعتقادی دینداری و گرایش به مهاجرت می‌باشد. بُعد دیگر دینداری بُعد تجربی است که به طور کلی با متغیر وابسته ۰/۳۲/۱ همبستگی دارد که این مقدار نشانه وجود همبستگی نسبتاً متوسط میان این دو متغیر است. همچنین مقادیر R^2 یعنی ۱۰ درصد گویای قدرت تبیین‌کنندگی متغیر مستقل است. با توجه به مقدار $F=58/2$ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه میان بُعد تجربی دینداری با گرایش به مهاجرت تأیید می‌گردد. میزان همبستگی بُعد سوم دینداری یعنی بُعد مناسکی با گرایش به مهاجرت میانه می‌باشد (۰/۵۱/۸). همچنین این متغیر نیز ۲۶/۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند. سطح معناداری ۰/۰۰۰ اشاره دارد بر وجود رابطه معنادار میان بُعد مناسکی دینداری با گرایش به مهاجرت. آخرین بُعد دینداری که در اینجا مورد سنجش قرار گرفته است، بُعد پیامدی می‌باشد. نتایج جدول حاکی از آن است که این متغیر ۰/۵۴/۱ با گرایش به مهاجرت همبستگی دارد. مقادیر R^2 نشان می‌دهند که بُعد پیامدی دینداری در مجموع ۲۹/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نماید. همچنین سطح اطمینان ۹۹ درصد ($P=0/000$) گویای وجود رابطه معنادار بین این متغیر با گرایش به مهاجرت است. دینداری کلی متغیر دیگری است که رابطه آن با گرایش به مهاجرت مورد آزمون قرار گرفته است. داده‌های جدول حاکی از آن است که این متغیر در کل ۰/۵۲/۶ با متغیر وابسته دارای همبستگی است که این رقم همبستگی متوسطی را بین متغیر مستقل و وابسته نشان می‌دهد. سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان دهنده تأیید رابطه

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان ۴۷

معنادار بین دینداری کل با متغیر وابسته است. به طور کلی همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد جهت ضریب بتا در رابطه با تمامی متغیرها به استثنای متغیر رسانه‌های جمعی، منفی است که این امر بر جهت معکوس این متغیرها با متغیر وابسته دلالت دارند.

جدول (۳) آزمون رابطه میان رسانه‌های جمعی، نگرش نسبت به جایگاه علم، نگرش نسبت به جایگاه زنان، ابعاد چهارگانه دینداری و دینداری کل با گرایش به مهاجرت

نام متغیر	R	R ²	R ² افزوده شده	خطای استاندارد	B	Beta	F	معناداری
رسانه‌های جمعی	۰/۲۸	۰/۰۷	۰/۰۷	۸/۳۹	۰/۴۲	۰/۲۸	۴۳/۶	۰/۰۰۰
نگرش نسبت به جایگاه علم در ایران	۰/۴۹	۰/۲۳	۰/۲۲	۷/۶۸	-۰/۸۵	-۰/۷۹	۱۵۱	۰/۰۰۰
نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل کرده در ایران	۰/۴۲	۰/۱۸	۰/۱۸	۷/۹۱	-۱/۳	-۰/۴۲	۱۱۲	۰/۰۰۰
احساس تعلق به وطن	۰/۷۱	۰/۵۱	۰/۵۱	۶/۱۱	-۱/۷۲	-۰/۷۱۵	۵۲۹	۰/۰۰۰
بعد اعتقادی دینداری	۰/۳۴	۰/۱۲	۰/۱۱	۸/۲۱	-۰/۵۴	-۰/۳۴	۶۹	۰/۰۰۰
بعد تجربی دینداری	۰/۳۲	۰/۱	۰/۱	۸/۳۸	-۰/۹۹	-۰/۳۲	۵۸/۲	۰/۰۰۰
بعد مناسکی دینداری	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۲۶	۷/۴۸	-۰/۵۹	-۰/۵۱	۱۸۵	۰/۰۰۰
بعد پیامدی دینداری	۰/۵۴	۰/۲۹	۰/۲۹	۷/۳۶	-۰/۹۲	-۰/۵۴	۲۰۹	۰/۰۰۰
دینداری کل	۰/۵۲	۰/۲۷	۰/۲۷	۷/۴۴	-۰/۲۵	-۰/۵۲	۱۹۳	۰/۰۰۰

تحلیل یافته‌ها

برای تحلیل چند متغیره روش رگرسیون چند متغیره گام به گام مورد استفاده قرار گرفت. از میان متغیرهایی که وارد معادله شدند سه متغیر در این معادله باقی ماندند که به ترتیب عبارتند از: احساس تعلق به وطن، بعد پیامدی دینداری و نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران. همان‌گونه که در جدول (۴) مشخص است این سه متغیر در مجموع توانسته‌اند ۵۶/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند که مقدار نسبتاً بالایی است.

جدول (۴) تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته

گام	متغیر وارد شده	R	R ²	R ² Ad	خطای استاندارد
اول	احساس تعلق به وطن	۰/۷۱/۵	۰/۵۱/۱	۰/۵۱	۰/۶/۱۱
دوم	بعد پیامدی دینداری	۰/۷۴/۱	۰/۵۴/۹	۰/۵۴/۷	۰/۵/۸
سوم	نگرش نسبت به جایگاه علم در ایران	۰/۷۴/۹	۰/۵۶/۱	۰/۵۵/۹	۰/۵/۸

مقادیر بدست آمده برای Beta که در جدول (۵) آمده است حاکی از آن است که سه متغیر وارد شده (احساس تعلق به وطن، بعد پیامدی دینداری و نگرش نسبت به جایگاه علم در ایران) با متغیر وابسته همبستگی معکوس و منفی داشته‌اند. مقدارهای بدست آمده برای t با اطمینان ۹۹ درصد نشان‌دهنده معنادار بودن همبستگی میان متغیرها است.

جدول (۵) عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی متغیر وابسته

متغیر	نام متغیر	B	Beta	مقدار t	Sig.
X ₁	احساس تعلق به وطن	-۱/۷۲	-۰/۷۱۵	-۲۳	۰/۰۰۰
X ₂	بعد پیامدی دینداری	-۰/۳۹	-۰/۲۲	-۶/۴۹	۰/۰۰۰
X ₃	نگرش نسبت به جایگاه علم در ایران	-۰/۲۳	-۰/۱۳	-۳/۷۴	۰/۰۰۰

$$a = 5/138 \quad R = \%74/9 \quad R^2 = 56/1 \quad R^2 \text{Add} = 55/9 \quad F = 205/66 \quad \text{Sig} = 0/000$$

بدین سان معادله رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای یاد شده چنین خواهد بود:

$$y = 5.138 + (-1.72) x_1 + (-0.39) x_2 + (-0.23) x_3$$

همان‌گونه که مشاهده می‌شود ویژگی‌های فرهنگی مورد بررسی با گرایش به مهاجرت رابطه‌ای معنادار دارند و از این میان ویژگی احساس تعلق و وابستگی به وطن تأثیرگذارترین ویژگی فرهنگی تلقی می‌شود چرا که به تنهایی ۵۱/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. بنابراین این ویژگی رابطه نسبتاً قوی با گرایش به مهاجرت دارد. پس از آن بعد پیامدی دینداری و در آخرین مرحله نگرش دانشجویان نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران قوی‌ترین روابط را با گرایش به مهاجرت دارند.

نتیجه‌گیری

مهاجرت به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی توجه بسیاری از متفکران در رشته‌های مختلف علمی را به خود جلب نموده است. جابجایی و مهاجرت انسان قدمتی به اندازه تاریخ شکل‌گیری اجتماعات بشری دارد و به دلایل و انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گرفته است که این امر موجب شکل‌گیری انواع مهاجرت‌ها در جوامع مختلف شده است. پدیده مهاجرت نیروی انسانی ماهر و متخصص که از آن به عنوان مهاجرت نخبگان و گاه نیز با نام فرار مغزها یاد می‌شود، یکی از انواع مهاجرت‌هاست که معمولاً از کشورهای در حال توسعه یا جهان سوم به کشورهای توسعه یافته روی می‌دهد و به عنوان مسئله‌ای اجتماعی موضوع تحقیقات و مطالعات فراوانی قرار گرفته است. مروری بر تحقیقات انجام شده در این باره نشان می‌دهد که مهاجرت نخبگان کمتر از دیدگاهی فرهنگی و اجتماعی مورد کنکاش قرار گرفته و تلاش اغلب تحقیقات بر این بوده است که علل اقتصادی و سیاسی آن را شناسایی کنند. همچنین بررسی سیر تاریخی مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد که اغلب مطالعات درباره پدیده مهاجرت و به ویژه مهاجرت نخبگان به جامعه مردان پرداخته‌اند. هر چند زنان در قرن بیستم در مهاجرت‌ها حضور گسترده‌ای داشته‌اند، اما توجه به جایگاه و نقش زنان در مهاجرت مورد اغماض و غفلت محققان قرار گرفته بود. تا اینکه در دهه ۱۹۸۰ میلادی با فراگیر شدن جنبش زنان در سطح بین‌المللی و رشد برنامه‌های مطالعاتی زنان، با ظهور نوعی تغییر رویکرد در ادبیات و مطالعات مربوط به مهاجرت، زنان و مفهوم جنسیت مورد توجه قرار گرفت (هاندانگو-سوتلو و کرانفورد^۱، ۲۰۰۶: ۶-۱۰۵).

از آنجایی که زنان در خانواده‌ها به عنوان عاملان اصلی جامعه‌پذیری فرزندان محسوب می‌شوند، به نظر می‌رسد که می‌توانند نقش مؤثری در مهاجرت خود و دیگر اعضای خانواده داشته باشند. بنابراین نحوه نگرش زنان نسبت به موضوع مهاجرت و ترک وطن می‌تواند بر نگرش‌ها و به دنبال آن گرایش‌های فرزندان بسیار مؤثر باشد. به طور مثال زمانی که یک زن به عنوان مادر خانواده بسیار راغب به ترک وطن و سکنی گزیدن در کشوری دیگر باشد، این موضوع از یک سو بر تصمیم و گرایش پدر خانواده تأثیرگذار است و این تمایل را در وی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر موجب شکل‌گیری نحوه نگرش و گرایش خاصی در رابطه با این موضوع در فرزندان خانواده می‌شود به طوری که فرزندان نیز گرایش زیادی به مهاجرت پیدا

¹ . P. Hondagneu-Sotelo & C. Cranford

می‌کنند. از این رو با توجه به نقش تعیین‌کننده زنان در گرایش به مهاجرت در پژوهش حاضر سعی بر این بوده که از منظری فرهنگی و اجتماعی به این پدیده در جامعه آماری زنان پرداخته شود.

همچنان که نتایج نشان داد از میان ویژگی‌های فرهنگی متعددی که در رابطه با مهاجرت نخبگان مورد بررسی قرار گرفت، میزان دینداری و احساس تعلق به وطن پاسخگویان مهم‌ترین این ویژگی‌ها هستند. با توجه به نظریه سرمایه بومی داوانزو، که مبنای نظری پژوهش را تشکیل می‌دهد دین سرمایه‌ای بومی است که انتقال آن به کشوری دیگر و نیز یافتن جایگزینی برای آن در جامعه جدید امری دشوار و یا حتی غیرممکن است. همچنین وی معتقد است که مشارکت در سازمان‌های دینی و انجام مناسک جمعی دین شبکه‌هایی اجتماعی به وجود می‌آورد که در بردارنده مزایای متعددی برای اعضاست. داوانزو بیان می‌کند که روابط افراد در این شبکه‌های اجتماعی بسیار نزدیک و صمیمی بوده و اعضا با حضور در این سازمان‌ها علاوه بر برخورداری از حس مشترک ایدئولوژیکی از انواع حمایت‌های اجتماعی که این شبکه‌ها فراهم می‌کنند بهره‌مند می‌شوند. بدین ترتیب سازمان‌های دینی تنها محل عبادت نیستند بلکه در ضمن دارای کارکردهای اجتماعی نیز می‌باشند. بر این اساس مشاهده می‌شود که در جامعه ما نیز مساجد تنها محل برگزاری نماز و مراسم مذهبی نیستند بلکه در بسیاری از امور اجتماعی مسلمین ایفای نقش می‌کنند. از این رو مهاجرت و جابجایی از یکسو باعث جدایی افراد از مکان عبادت شده و از سوی دیگر آنها را از حمایت شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته در بافت دینی محروم می‌سازد.

بنابراین داوانزو این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که میزان بهره‌مندی افراد از دین با گرایش آنها به مهاجرت رابطه‌ای معکوس دارد. به طوری که هرچه پاسخگویان بهره بیشتری از دین داشته باشند، کمتر مایلند که ترک وطن کرده و این سرمایه بومی را از دست بدهند. همچنین قابل ذکر است که در میان ابعاد چهارگانه دینداری که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است (بُعد تجربی، اعتقادی، مناسکی و پیامدی) همان‌گونه که یافته‌ها نشان می‌دهند بُعد پیامدی دینداری بهتر قادر به تبیین پدیده مهاجرت نخبگان است. با توجه به تعریف، این بُعد به اجرای تعالیم و فرائض دینی در جامعه دلالت دارد که بر این اساس در ایران که دین اسلام به عنوان دین رسمی شناخته شده است، بُعد پیامدی دارای شاخص‌هایی نظیر رعایت امر به معروف و نهی از منکر، لزوم رعایت حجاب اسلامی، حرمت رباخواری و ... است.

بر مبنای نظریه سرمایه بومی داوانزو می‌توان گفت که در ایران دین اسلام سرمایه‌ای بومی است که انتقال این سرمایه به کشوری دیگر و یافتن جایگزینی برای آن در کشور جدید بسیار مشکل و یا حتی

رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان ۵۱

غیرممکن خواهد بود. این مطلب به‌ویژه درباره بُعد پیامدی دینداری کاملاً صادق است. به فرض مثال اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر یا لزوم رعایت حجاب اسلامی در بسیاری از کشورهای مهاجر پذیر امری غیرممکن می‌باشد. چرا که این شاخص‌ها خصوصیتی بومی دارند و در منطقه‌ای دیگر با شرایطی متفاوت اجرای تعالیم و فرائض دینی مسئله‌ساز خواهد شد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که از میان ابعاد چهارگانه دینداری، بُعد پیامدی در رابطه با گرایش به مهاجرت از خاصیت بازدارندگی بیشتری برخوردار است. در ضمن نتایج تحقیق حاکی از آن است که تعلق و دلبستگی افراد نیز تأثیر بسزایی در تبیین پدیده مهاجرت نخبگان دارند. نظریه نیازها که توسط مازلو مطرح شده و از نظریات بسیار معتبر و قابل استناد در علم روانشناسی می‌باشد به خوبی قادر به تبیین این موضوع است. بر اساس این نظریه، انسان دارای پنج نیاز اصلی است که نیاز به تعلق و دلبستگی نیز یکی از آنها بوده و از نظر درجه اهمیت بعد از نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب می‌توان چنین گفت که انسان به طور فطری و طبیعی به اجتماع، هم‌وطنان و ارزش‌های ملی خود تعلق و دلبستگی دارد، به طوری که با دور شدن از آنها احساس غربت و تنهایی می‌کند و دور شدن و جدا ماندن از این تعلقات احساس ناخوشایندی است که فرد مهاجر آن را تجربه کرده و از غیاب آنها در محیط جدید به شدت رنج می‌برد. از این رو هرچه فرد به میزان بیشتری از این احساس برخوردار باشد تمایل کمتری به جابجایی و سکنی گزیدن در کشوری دارد که در آنجا از این دلبستگی‌ها جدا می‌شود. شایان ذکر است که این یافته تحقیق همسو با تحقیق شعبانلو (۱۳۸۰: ۹۹)، جواهری و سراج زاده (۱۳۸۰) و آگاروال و وینکلر (۱۹۸۴) می‌باشد.

با توجه به مباحث فوق مشخص می‌شود که ضعف هویت دینی و ملی، گرایش به مهاجرت را تقویت می‌کند. اگر تاریخ ایران را مطالعه کنیم مشخص می‌گردد که بین هویت دینی و ملی ایرانیان همواره رابطه‌ای مستحکم و دوطرفه وجود داشته است. به طوری که از یک طرف دین در حفظ هویت ایرانی و ایجاد یکپارچگی به‌ویژه در امر سیاست دارای نقش عمده‌ای بوده است. به عنوان مثال در دوره ساسانی روحانیون نه تنها عهده‌دار امور مذهبی جامعه بودند بلکه بسیاری از آنها به مشاغلی چون طبابت، تدریس و تعلیم اشتغال داشتند. حیطه اختیارات این افراد به حدی بوده است که در برخی موارد حتی توانسته‌اند شاه را خلع کنند. از طرف دیگر بعد از ورود اسلام به ایران، ایرانیان فرهنگ و ارزش‌های ملی خود را با دین تازه وارد انطباق داده و بدین ترتیب صورت ویژه‌ای از دین به‌وجود آوردند. بسیاری از مورخان بر این باورند که فرهنگ ایرانی در احیا و تقویت تمدن اسلامی نقشی عمده ایفا کرده است. به عنوان مثال ریچارد فرای

معتقد است که اسلام تا زمانی که با فرهنگ ایرانی پیوند نخورد، جهانی نشد (دارابی، ۱۳۸۶). بنابراین ملاحظه می‌شود که فرهنگ و هویت دینی و ملی ایرانیان آن‌چنان درهم آمیخته‌اند که بسیاری از متفکران هویت و ارزش‌های دینی را از عناصر اصلی سازنده هویت ملی دانسته‌اند. در پایان پیشنهاد می‌شود با تقویت حس وطن دوستی و ارزش‌های دینی و به تبع بُعد پیامدی دینداری در اعضای جامعه به خصوص قشر تحصیل کرده گامی مؤثر در کاهش مهاجرت این نیروها به خارج از کشور برداشته شود تا بتوان از مهارت‌ها و تخصص آن‌ها در پیشرفت کشور استفاده نمود.

منابع

- اسماعیلی، مهدی (۱۳۸۲) پیرامون مهاجرت نخبگان، مقالات راهبرد، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۴۵-۱۴۲.
- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰) مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵، صص ۴۹-۴۵.
- جواهری، فاطمه و سراج‌زاده، حسین (۱۳۸۴) جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، سال سیزدهم، شماره ۵۱-۵۰، صص ۶۱-۵۸.
- خضری، محمد (۱۳۸۰) دلایل و پیامدهای اقتصادی فرار مغزها، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۴، صص ۵۶۹-۵۴۷.
- دارابی، جعفر (۱۳۸۶) بررسی و تعیین نوع هویت فردی، ملی و مذهبی در نوجوانان، مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۷۳.
- رجبی، مسعود (۱۳۷۹) بررسی میزان و عوامل گرایش به مهاجرت از کشور: مطالعه نظری همراه با تحقیقی از بین دانشجویان فنی دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- رشنو، نبی‌الله (۱۳۸۲) ژئوپلیتیک نخبگان (تأملی در رویکردهای سیاسی-جغرافیایی مهاجرت نخبگان)، تهران: انتشارات کویر.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) مهاجرت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سلجوقی، خسرو (۱۳۷۹) مهاجرت نخبگان: علل و راهکارها، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- شریفی، منصور (۱۳۷۶) بررسی گرایش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران به مهاجرت از کشور، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- شعبانلو، رحیم (۱۳۸۰) بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- طوسی، محمدرضا (۱۳۸۰) بررسی نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر روند پدیده مهاجرت مغزها، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- طیبه، موسی (۱۳۸۰) بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به مهاجرت مغزها: مطالعه موردی دانشگاه شیراز، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- علاءالدینی، فرشید؛ فاطمی، رزیتا؛ رنجبران، هومن و فیض‌زاده، علی (۱۳۸۴) میزان تمایل به مهاجرت و علل آن در پزشکان ایرانی، مجله پژوهشی حکیم، دوره هشتم، شماره سوم، صص ۹-۱۵.
- قنبر، افسانه (۱۳۸۴) بررسی علل مهاجرت متخصصان ایرانی به آمریکا، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Agarwal, V. Winkler, D.** (1984) Migration of Professional Manpower to the United State; *Southern Economic Journal*, 50, 3, p. 814.
- Akcapar, S.** (2006) Turkish Highly Skilled Migration to the United States; Migration Research Program at the Koc University.
- Allan, W.; Balaz, V.** (2005) What Human Capital, Which Migration? Returned Skilled Migration to Slovakia; *The International Migration*, 39, 2, p. 439.
- Awases, M.; Gabary, A.; Nyoni, J. and Chatora, R.** (2004) Migration of Health Professionals in Six Countries; World Health Organization.
- Bauer, T.; Haiske, J.; Schmidt, Ch.** (2003) International Labor Migration; Economic Growth and Labor Markets: The Current State of Affairs.
- Colub, B.** (1996) Croatian Scientists, Drain and Its Roots; *Sociological Abstracts*, Vol.45, No.6, p.97.
- Curran, S.; Shafer, S.; Donato, K. & Garip, F.** (2006) Mapping Gender and Migration in Sociological Scholarship; *The International Migration Review*, 40, 1, pp:200-204.
- Da Vanzo, J.** (1981a) Microeconomic Approaches to Studying Migration Decisions; Pergamon Press.
- Da Vanzo, J.** (1981b) Repeat Migration, Information Costs and Location-Specific Capital; *Population and Environment*, Vol. 4, pp: 45-73.
- Fassmann, H.; Kohlbacher, J. and Reeger, U.** (2005) International Migration and Its Regulation State of the Art Report Cluster A1; Institute for Urban and Regional Research, Austrian Academy of Sciences.
- Glock, C.Y. & Stark, R.** (1965) *The Dimensions of Religiosity: Religion and Society in Tensnio*; Chicago: Rand McNally.
- Han, C.** (2001) *The Mobility of Highly Skilled Human Capital in Taiwan: A Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy*, University of the Pennsylvania State.
- Hondagneu-Sotelo, P. & Cranford, C.** (2006) Gender and Migration; in *Handbook the Sociology of Gender*, (Ed.) Janet Saltzman Chafetz, Springer, pp:105-126.
- Howard, G.** (1992) A Brain Drain Study on Chinas Students in the United State; *Dissertation Abstracts International*, Vol. 53, No.5, pp:14-23.
- Kangasniemi, M.; Winter, A. & Commander, S.** (2007) Is the Medical Brain Drain Beneficial? Evidence from Overseas Doctors in the UK; *Social Science & Medicine*, Vol. 65, 5, pp: 915-923.
- Kothari, U.** (2002) Migration and Chronic Poverty; Institute for Development Policy and Management; Working Paper, 16, 18.

Myers, S. (2000) Impact of Religious Involvement on Migration; *Social Forces*, 79, 2, pp: 755-783.

Tansel, A.; Gungor, N. (2003) Brain Drain from Turkey: Survey Evidence of Student Non-return; *Career Development International*, 8, 2, pp:52-69.

Watanabel, S. (1969) The Brain Drain from Developing to Developed Countries; *International Labour Review*, 4, pp: 401-433.